

م. ع. اطرافی

گذشته های افغانستان و امریکا و عقد قرارداد ستراتژیک در اوضاع پرتنش منطقه و جهان

قرارداد مذکور در زمان حساس، شدت جنگ با تروریسم،
اوج فساد اداری در دولت، اعلام خروج عساکر خارجی
از افغانستان، ادامه خلع سلاح اردوی افغانستان و اوضاع
پرتنش منطقه و جهان امضاء گردید. انتخاب و تعیین وقت و
زمان هم برای انجام یک امر به منفعت و یابه ضرر کشور
تمام میشود. عقد قرارداد ستراتژیک با امریکا که تعهدات
مشخص واضح و روشن حقوقی، قانونی و الزامی در برابر
افغانستان ندارد، در اثر تقاضای هر طرف میتواند قرارداد
مذکور فسخ شود که ماهیت ستراتژیک قرارداد را زیر سوال
میبرد. حدث و گمان زده میشود که قرارداد مذکور یک سند
تاکتیکی است که راه و زمینه قراردادهای اساسی و
ستراتژیک بعدی را با امریکا هموار و مساعد میسازد که
عجالتن برای ستراتژی خروج عساکر خارجی از افغانستان
تا سال ۱۴۰۲ و پوشش ادامه پایگاه های نظامی هوایی
موجود امریکا بدون پرداخت حق الجاره سالانه مبلغ سه
مليارد دالر برای هر یک از پایگاه نظامی در افغانستان بعد
از سال ۱۴۰۲ طرح ریزی شده باشد.

امریکا، ناتو و آیساف در اولین و طولانی ترین جنگ فرسایشی زمینی با تروریزم در افغانستان و منطقه به بن بست مواجه شده و بُرد نظامی ندارند. از جانب دیگر تلفات روزافزون عساکرشان و سالانه ملیاردها دالر مصارف نظامی به منظور ادامه جنگ در افغانستان به مخالفت مردم شان مواجه گردیده که محرک اصلی خروج عساکر شان از افغانستان تا ختم سال ۱۴۰۲ می باشد. قوه های خارجی در افغانستان در محاصره حریفان خود چون پاکستان و ایران گیر مانده که برای خروج عساکر و تجهیزات پیشرفته نظامی شان از افغانستان به یک راه مطمئن، کوتاه و مصئون نیاز دارند که پاکستان کوتاه ترین راه خروج اما شرایط سخت و خطرات زیادی را برای شان در بردارد زیرا مردم پاکستان بر ضد امریکا و ناتو قیام کرده اند.

از مذاکرات امریکا با طالبان که در کشور قطر در پشت درهای بسته صورت گرفت، معلوم نشد که به چه توافقاتی با هم رسیدند. اما شکست مذاکرات رسمن اعلام گردید. در مورد پاکستان هم آخرین امریکا از افزار تهدید و دیپلماسی کار میگیرد که مذاکرات به سطح پایین تر در پشت درهای بسته انجام شد که ناکامی مذاکرات رسمن اعلام گردید.

فعلن به علت خشم مردم پاکستان علیه امریکا، دولت پاکستان هیچ کاری کرده نمیتواند. تا ختم ۱۴۰۲ وقت کافی باقیمانده، پاکستان حاضر خواهد شد که راه ترانزیتی امریکا

وناتوراً باز نماید و گاو شیری خود، امریکا را به آسانی از دست نخواهد داد. نظامیان پاکستان بیشتر از کمک های امریکا مستفید میشوند و احتمال مداخله نظامیان پیش بینی میشود. در نهایت امر بین امریکا، ناتو و ایساف جور آمد خواهد شد که شرایط پاکستان را بپذیرند و به پاکستان امتیاز بدهند تا مسئولیت خروج عساکر، تجهیزات نظامی و وسایل انتقالات شان را تضمین نماید و روابط شان را دوباره با پاکستان عادی بسازند. در غیر آن فشارهای سیاسی و حملات طیارات بی پیلوت امریکا بالای پاکستان همچنان ادامه خواهد یافت که بعد از خروج عساکر امریکا از افغانستان شدید تر خواهد شد تا پاکستان شرایط امریکا و ناتو را بپذیرد. از جانب مقابل حملات تروریستی هم شدید تر خواهد شد که کفاره آنرا مردم افغانستان خواهند پرداخت.

گرچه روابط امریکا با پاکستان، ایران و تروریزم در نظر و عمل حالت کشمکش و مدارا را بخود اختیار کرده است که در روی صحنه بملاحظه میرسد، اینکه زیر پرده چه نوع روابط بین شان وجود داشت و دارد تا هنوز مبهم و پیچیده مانده است. اگر به روابط تاریخی ایران و پاکستان با امریکا نگاه شود روابط ستراتژیک این دو کشور با امریکا بر روابط افغانستان با امریکا بعد از تولد نامشروع پاکستان همواره سایه افکنده است. با وصف درخواست و تقاضاهای مکرر افغانستان، امریکا به افغانستان کمک نظامی نکرد

تا توازن قوا بین افغانستان و دو همسایه شرق و غرب افغانستان بوجود می‌آید. افغانستان و ادار و مجبور ساخته شد که غرض دریافت کمک های نظامی به اتحاد جماهیر شوروی وقت مراجعه نماید و کمک های نظامی دریافت نماید. در دوران جهاد هم کمک های امریکا و بین المللی به دولت ایران و پاکستان داده میشد و از طریق دولت ایران و پاکستان به مجاهدین تقسیم و توزیع میگردید که عملن رهبری و حاکمیت جهاد افغانستان را به دولت ایران و پاکستان تفویض کرده بود و این دو کشور در جبهه جهاد افغانستان نفوذ کردند و جبهه جهاد اهل سنت افغانستان را در پاکستان به هفت تنظیم و جبهه جهاد اهل تشیع افغانستان را در ایران به هشت تنظیم منشعب ساختند و اختلافات را بین افغانها تشدید کرده رفتند. بعد از خروج عساکر شوروی از افغانستان، دوکتور نجیب اله قدرت دولتی افغانستان را در وساطت و موافقه با نماینده خاص سازمان ملل متحد بصورت مسالمت آمیز به رئیس جمهور مؤقت مجاهدین، پروفیسور صبغت اله مجددی تسلیم داد و زمینه آنرا فراهم ساخت که انتقال قدرت بصورت مسالمت آمیز انجام شود و از خون ریزی ها جلوگیری شود. در این وقت حساس امریکا افغانستان را تنها گذاشت و در انتقال قدرت مسالمت آمیز افغانستان را کمک نکرد. همه تنظیم ها و قومندانان جهادی در محلات اشغال شده شان در شهرها بخصوص در شهر

کابل و سایر ولایات افغانستان حاکمیت محل را بدست خود گرفتند. برای سهم در دولت مرکزی از ایران و پاکستان به کابل هجوم آوردند و با هم رزمیدند تا سهم قدرت را در دولت از طریق جنگ بدست آورند که به تلفات هزاران باشندگان و تخریب شهر کابل انجامید. همه قدرت های خارجی بشمول امریکا و سازمان ملل متحد افغانستان را تنها گذاشتند و در انتقال مسالمت آمیز قدرت و ایجاد دولت با پایه های وسیع که جزء تعهد نماینده سازمان ملل متحد با دکتور نجیب اله بود طفره رفتند و دولت نو بنیاد را کمک و یاری نکردند. انارشی مطلق بر افغانستان حاکم شد و زمینه ظهور و پیشروی طالبان فراهم ساخته شد. طالبان توانست بدون مقاومت تنظیم های جهادی و دولت مجاهدین قسمت اعظم افغانستان را اشغال نمایند.

جلسات کنفرانس دولت با پایه های وسیع هم به اشتراک نمایندگان شش کشور همسایه افغانستان و ایالات متحده امریکا و روسیه تحت نظارت سازمان ملل متحد اینجا و آنجا ادامه یافت. آخرین جلسه آن در هوتل آی-اس-ای، سازمان استخباراتی پاکستان در شهر کوئته بلوچستان دایر گردید که متن مسوده موافقتنامه دولت با پایه های وسیع نهایی شده بود که همان روز باید تصویب و امضاء میشد. قصدن به فردا به تعویق انداخته شد. فردا که جلسه آغاز گردید خبر حمله و تصرف شهرک سرحدی سپین بولدک از

جانب ملیشه های پاکستان که اسم آنرا طالبان گذاشته بود در کنفرانس طنین انداخت و کنفرانس را برای همیشه متلاشی ساخت و نمایندگان سازمان ملل متحد، امریکا، روسیه، شش کشور همسایه و افغانستان از کنفرانس نهایی دست خالی برآمدند. اگر امریکا و ملل متحد صلح و دولت با پایه های وسیع را در افغانستان میخواستند کنفرانس مذکور سقوط نمیکرد و متلاشی نمیگردید بلکه به نتیجه نهایی میرسید. ملاحظه بفرمایید که طالبان در اولین حمله خود بر شهرک سرحدی سپین بولدک از چه قدرت معجزه آسا برخوردار بودند که حمله نظامی بر شهرک سپین بولدک صورت گرفت و کنفرانس سیاسی بین المللی را در شهرکوئته بلوچستان به سقوط دائمی مواجه ساخت.

طالبان امارت اسلامی و غیر قانونی شان را از طریق فریب مردم با شعارهای شریعت اسلامی توسعه بخشیدند و بر مردم افغانستان تحمیل کردند و قدرت دولتی را تصاحب شدند. مردم افغانستان، کشورهای جهان و سازمان ملل متحد رژیم طالبان را برسمیت نشناختند، به استثنای سه دولت دوست و متحد امریکا پاکستان، امارات متحده عربی و عربستان سعودی که با حمایت علنی این سه کشور و یک دست نیرومند نامرئی، طالبان توانستند مدت پنج سال در افغانستان به امارت غیرقانونی شان ادامه بدهند. بعد از

حادثه ۱۱ سپتامبر و حمله نظامی امریکا به افغانستان به امارت اسلامی طالبان و حاکمیت نظامی پاکستانیها در افغانستان پایان داده شد که موجب خشم پاکستان علیه امریکا، آیساف و ناتو گردید. در مدت ده سال حضور نظامی خارجیها و جنگ در افغانستان موش های تروریزم به ببرهای تروریزم تبدیل شده رفت. مخاصمت پاکستان و ایران با افغانستان شدید تر شده رفت. اردوی نیرومند افغانستان با سلاحها و تجهیزات پیشرفته زمینی و هوایی آن در وقت حاکمیت مجاهدین متلاشی و چوروچپاول شده بود دوباره تجهیز و مسلح ساخته نشد تا قدرت نظامی بین افغانستان و همسایه های شرقی و غربی افغانستان متوازن ساخته میشد و افغانستان مستقلانه از خود دفاع کرده میتوانست. در متن قرار دادهای ستراتژیک هم صرف تربیه عساکروپولیس افغانستان منعکس شده از تجهیز و تسلیح اردوی افغانستان با سلاحهای سنگین و پیشرفته زمینی و هوایی تعهدی نشده است. بار دیگر امریکا و متحدین از دادن کمک های نظامی به افغانستان طفره میروند. فعلم افغانستان در موقعیتی قرار دارد که مستقلانه از خود دفاع کرده نمیتواند. بعضی افغانها خوش هستند که امریکا و ناتواز افغانستان دفاع مینماید، احساس نمیکنند که بوی اشغال طولانی و دایمی از آن به مشام میرسد. از تجارب تلخ برخورد های گذشته و حال امریکا با افغانستان تا امروز

معلوم میشود که دولت امریکا در برابر افغانستان سیاست شفاف و روشن را دنبال نکرده با منافع ملی افغانستان هماهنگی نشان نداده، از اینرو مردم افغانستان به قرارداد ستراتژیک منعقد شده با امریکا به نظر شک و تردید مینگرند. حل بحران و قضایای افغانستان از محدوده داخلی خارج شده ابعاد منطوقی و جهانی را بخود گرفته است که از همین زاویه ها باید مورد تحلیل و ارزیابی قرار بگیرد. اوضاع منطقه و جهان هم بسوی تشدید بحران در حال پیشرفت است. پاکستان اتمی با شبکات وسیع تروریستی اش بحیث ابر قدرت سوم جهان عرض اندام کرده که بزرگترین قدرت های نظامی جهان امریکا، ناتو و آیساف را به بن بست و شکست مواجه ساخته و در محاصره خود گرفته و راه خروج عساکر شان را هم مسدود ساخته است. نطفه انقلابها در سراسر جهان بر ضد نظامهای خودکامه مستبد و دست نشانده های استعمار و امپریالیزم، فقر، بیکاری و بیعدالتی از طریق تظاهرات مردم اوج گرفته می رود و ادامه دارد که از جانب محافل حاکمه و دولت ها سرکوب شده می رود که جهان را بسوی بحران های عمیق و آشتی ناپذیر طبقاتی سوق و هدایت مینماید که احتمالاً به انقلاب فرا گیر جهانی تبدیل و انکشاف نماید.

بحرانهای اقتصادی که دامنگیر کشورهای غربی شده است، علل اصلی و اساسی آن در ادامه نظامهای فرسوده و رو بزوال سرمایه داری امپریالستی جهانی نهفته است که تا حال هیچ دولتی در حلقه سرمایه داری جهانی حاضر نشده است که به خواستهای توده های وسیع مردم شان گوش فرادهند و مشکلات مردم شان را رفع نمایند و یا تغییرات، اصلاحات، ریفورم ها و نوآوری های بنیادی و لازم را در نظام سرمایه داری مسلط بر جامعه شان بوجود بیاورند و بکار بگیرند تا خواست های مردم برآورده شود، مخالفت ها و تظاهرات مردم فروکش نماید.

در عوض غول های سرمایه درگیر بحران اقتصادی، از قصرهای شان بیرون آمده اند و بسوی کوه ها و دشتهای دست ناخورده کشورهای عقب مانده، فقیر اما ثروتمند جهان هجوم میاورند و با صدها حيله و نیرنگ بین مردم نفاق و تفرقه میاندازند و بالای شان مستقیم و یا غیر مستقیم حکومت میکنند و از منابع سرشار طبیعی شان بهره برداری مینمایند. افغانستان یکی از همین کشورهاست که در نقطه احتراق و مورد توجه قدرت های عام و خاص منطقه و جهان قرار دارد. هرکس پی اهداف خود شان به افغانستان آمده اند و بهره میبرند. روی همین علل جنگها، زورگویی ها، فساد، اختلاس، رشوت، قانون شکنی و بیعدالتی در

افغانستان فروکش نمیکند و به اشکال گوناگون ادامه خواهد یافت. تا زمانیکه ماهی ها وجود دارد، آبهای صاف گل آلود شده می‌رود تا ماهی ها به آسانی در دام ماهی گیرها بیافتند.

بحران خطرناک دیگری که صلح و امنیت منطقه و جهان را به مخاطره جدی مواجه ساخته مسابقات تسلیحاتی، نصب راکت های ضد راکت و رادارهای پیشرفته رد یابی راکت ها و راکت های قاره پیما و تحرکات ناوگانهای اتمی بین امریکا، ناتو و روسیه در سنگرهای تعرضی و دفاعی میباشد که در اطراف کشورهای آسیایی جابجا شده و جهان را به دوجبهه متخاصم یک قطبی و دو قطبی تقسیم نموده که برای اشغال و دفاع قلمروهای تحت نفوذ یکدیگر جنگ های نیابتی را آغاز کرده صلح و امنیت منطقه و جهان را به چالش کشانیده اند. حوادث کشور سوریه و لیبی نمونه از این تخاصمات میباشد.

پیشروی های امریکا و ناتو از طریق افغانستان بسوی کشورهای آسیای میانه و بحیره خزر که تحت نفوذ کمپ شنغای میباشد عجالتن به بن بست مواجه گردیده است.

کشمکش ها و جنگ های نیابتی بین امریکا و روسیه به پشتوانه ناتو و کمپ شنغای در سوریه با شدت جریان دارد که خصومت علنی امریکا و روسیه را نشان میدهد. چین و هند روابط ستراتژیک اقتصادی و شرکت های مشترک و مختلط و منافع مشترک اقتصادی با امریکا و اروپا دارند اما

اهداف ستراتژیک سیاسی و نظامی شان با روسیه گره خورده است. این موقف دوگانه چین و هند موجب تشویش و نگرانی هر دو کشور امریکا و روسیه گردیده. هیچ جانب نمیداند اگر مخاصمات امریکا و روسیه روی پیشروی و اشغال قلمروهای تحت نفوذ یکدیگر وخیم تر شده برود چین و هند در کنار کدام یک، امریکا و یا روسیه قرار خواهند گرفت. امریکا از طریق نقش و نفوذیکه در دولت و وزارت معادن افغانستان دارد، بخاطر جلب رضایت هند و چین بزرگترین معادن افغانستان " معدن مس عینک لوگرو معادن نفت و گاز شمال را به چین" و "معدن آهن حاجیگک" را به هند به قیمت های بسیار نازل در داوطلبیها و گذار شده تا منافع مشترک اقتصادی شان تأمین شود و حمایت چین و هند را در بخش سیاسی هم با خود جلب نماید.

چون هدف نهایی پیشروی های نظامی امریکا و ناتو در چوکات نظم نوین جهانی ایجاد جهان یک قطبی و دولت واحد جهانی میباشد احتمال میرود که چین و هند در چوکات کمپ شانغای با روسیه و کشورهای منطقه متحد ستراتژیک سیاسی و نظامی باقی بمانند و از نظام دو قطبی و یا چند قطبی جهانی دفاع نمایند. اگر بحران سوریه بین امریکا، ناتو، روسیه و چین مسالمت آمیز حل نشود و به سقوط دولت بشرل اسد بیانجامد، نقطه بعدی تصادم بین قدرت های یک

قطبی و دو قطبی احتمالاً در ایران و یا افغانستان خواهد بود، جاییکه نقطه ضعف امریکا و ناتو در جنگهای زمینی و چریکی مشهود است. در این منطقه کمپ شنغای دست بالا را دارد. قدرت های یک قطبی در محاصره کمپ شنغای قرار دارند.

اگر اوضاع متشنج، پُرتنش جهان، قیامها و سرکوب تظاهرات مسالمت آمیز مردم را معیار تحلیل و قضاوت خود ها قرار بدهیم واضح معلوم میشود که ابر قدرت های رقیب برای تسخیر قلمروهای تحت نفوذ یکدیگر با هم در کشمکش هستند. هیچ ابر قدرت در فکر حل قضایای جهانی از طریق گفت و شنود، تفاهم، مسالمت آمیز و مشارکت هر طرف و یا از طریق شورای امنیت سازمان ملل متحد نیستند از مواضع شان عقب نشینی هم نمیکنند. سوقیات قوای بحری امریکا بسوی آسترا لیا و شرق دور که اخیراً در رسانه ها نمایش داده شد و تمرینات مشترک قوای نظامی بحری چین و روسیه در تقابل به آن به شدت بحران و بی اعتمادی ها افزوده است. با گذشت زمان و ادامه مسابقات تسلیحاتی این کشمکش ها و جنگ های نیابتی احتمالاً به مرحله جدید مخاصمات مستقیم نظامی انکشاف خواهد کرد. بیم آن میرود که جنگ وسیع منطقوی و یا جنگ سوم جهانی در این منطقه جهان دور از اروپا و امریکا

مشتعل خواهد شد که افغانستان محور آن خواهد بود و در زیرراکت های قدرتهای متخاصم جهان که در فاصله اصابت راکت های مخالفین امریکا قرار دارد بار دیگر افغانستان بخاطر سیاست های غلط، قیما ربا زهای سیاسی و دنباله روی دولت رشوت خور و فاسد افغانستان خورد و خمیر خواهد شد.

چون معضله افغانستان به یک معضله منطقوی و جهانی مبدل شده حل بحران افغانستان بدون اشتراک بازیگران جهانی، منطقوی و همسایه های افغانستان دور از امکان پیش بینی میشود.

دولت افغانستان باید تلاش نماید تا قبل از ختم سال ۱۴۰۲ که میعاد خروج عساکر خارجی از افغانستان میباشد یک کنفرانس مشترک کشورهای عضو ناتو و عضو شانغای، کشورهای آسیایی و اسلامی، کشورهای همسایه افغانستان و کشورهای دوست افغانستان را در یک نشست و کنفرانس مشترک بین المللی تحت نظارت سازمان ملل متحد دعوت نماید و از همه کشورهای منطقه و جهان که در امور داخلی افغانستان دخالت دارند و یا جنگ ها را در افغانستان دامن میزنند خواسته شود که از مداخله در امور داخلی افغانستان دست بردارند و در فیصله جمعی از نزد شان تعهد گرفته شود که بعوض جنگ در جهت صلح و امنیت با دولت افغانستان همکاری نمایند که به نفع همه کشورها میباشد تا

از وقوع یک جنگ وسیع منظقی و جهانی جلوگیری شده باشد. **یگانه راه صلح و ثبات در افغانستان ایجاد دولت متحد ملی با پایه های وسیع میباشد که از خصومت ها و جنگ های داخلی و توسعه جنگهای تروریستی جلوگیری کرده میتواند.** از تلاشهای سیاسی فعلی معلوم میشود که چنین پلان و برنامه های روی دست نیست.

اگر قرار باشد که یک دولت فرمایشی از ائتلاف گروه های افراط گرایان مذهبی و نژادی، مافیای مواد مخدر، مافیای زمین، مافیای ذخایر معدنی و مهره های فاسد دولت فعلی تشکیل شود و دیگران نادیده گرفته شوند احتمال میرود که نیروهای سیاسی و ملیشه های نظامی در افغانستان به دو جبهه متخاصم تقسیم خواهند شد و جنگهای نیابتی بار دیگر بین امریکا و روسیه در افغانستان مشتعل خواهد شد که ضرر آن این بار متوجه افغانستان و امریکا خواهد شد.

قرارداد ستراتژیک افغانستان و امریکا بعد از تصویب پالمان افغانستان جنبه قانونی بخود اختیار کرده است. برای کسب رضایت مردم افغانستان، امریکا بحیث دوست ستراتژیک روی کاغذ باید در موارد ذیل افغانستان را حمایت و کمک نماید تا دوستی ستراتژیک افغانستان و امریکا در عمل به اثبات برسد:

۱. حمایت از ایجاد دولت با پایه های وسیع از طریق

انتخابات شفاف و بدون تقلب ها که به نفع تحکیم دموکراسی و ثبات سیاسی در کشور میانجامد.

۲. حمایت جدی از مبارزه با فساد اداری، اختلاس و رشوت از طریق ایجاد اداره سالم با صلاحیت، مسئولیت پذیر و حسابه. صندوق های شکایات در هر اداره فاسد نصب شود تا مردم مفسدین و رشوت خواران را معرفی نمایند که تحت تعقیب قانونی قرار داده شوند تا در عمل **دستگیر و الی فیصله نهایی محکمه از وظایف شان تعلیق شوند.**

۳. تسلیح و تجهیز اردو و پولیس افغانستان با سلاحهای پیشرفته زمینی و هوایی تا افغانستان از خود مستقلانه دفاع کرده بتواند.

۴. کمک در اعمار زیر بنا های اقتصادی کشور در بخشهای انکشاف صنایع، زراعت و بخصوص اعمار دستگاههای تولید برق آبی و حرارتی.

۵. کمک در جلب سرمایه گذاری های خارجی در افغانستان.

۶. کمک در تضمین حق آزاد ترانزیت افغانستان بدون آزار و اذیت از راه پاکستان و ایران از جانب مراجع حقوقی بین المللی.

باید افغانستان بحیث سنگر صلح، آشتی، تفاهم و همبستگی منطقوی و جهانی عرض اندام نماید و بحیث حلقه اتصال،

منافع همه کشورهای منطقه و جهان را با منافع ملی افغانستان هم آهنگ بسازد تا کشمکش های منطقی و جهانی در افغانستان متوازن و منتفی ساخته شود و قدرت های متخاصم در افغانستان با هم به تفاهم برسند. بعوض کشمکش های نظامی به رقابت های مسالمت آمیز اقتصادی متوصل شوند. برای مدیریت چنین پالیسی صلح آمیز، افغانستان در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۴۰۲ به رئیس جمهوری ملی نیاز دارد که معتقد به تشکیل دولت آشتی ملی با پایه های وسیع باشد و چنین دولتی را تشکیل کرده بتواند و از کفایت، درایت سیاسی، صلاحیت و استعداد لازم رهبری و حمایت مردم برخوردار باشد تا افغانستان را از بحران و جهان را از برخوردهای نظامی به صلح و آشتی بکشاند. یک دولت متحد ملی به پشتوانه مردم خود به آسانی چنین کارها را انجام داده میتواند.

در فرجام از خداوند متعال استدعا مینمایم که به همه سیاست مداران و رهبران جهان احساس و عاطفه بیشتر انسانی اعطاء فرماید که از تولید و انکشاف بیشتر سلاحهای کشتار دسته جمعی و انتخاب گزینه های جنگ در حل قضا یای جهانی دست بردار شوند و منازعات جهانی را از راه های صلح، مصالحه و آشتی حل و فصل نمایند.

۵ سرطان ۱۳۹۱

